

عنوان مقاله : دستاوردهای ۲۵ ساله انقلاب اسلامی ایران

وضعیت ایران قبل از انقلاب اسلامی

برای درک واقعیات انقلاب اسلامی و دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی، توجه به وضعیت ایران در دوران رژیم طاغوت از جهات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک ضرورت است. بدون توجه به شرایط داخلی و خارجی ایران در دوران ماقبل از انقلاب اسلامی، نمی‌توان به عظمت دستاوردهای این انقلاب الهی و دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی در دوران ما بعد از انقلاب اسلامی پی برد. بر همین اساس، به اختصار وضعیت ایران در زمان رژیم طاغوت بررسی می‌شود.

الف- وضعیت سیاسی ایران قبل از انقلاب

نظام سیاسی ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی، نظام سلطنتی و پادشاهی به شکل موروثی بوده و مردم ایران هیچ نقشی در به قدرت رسیدن پادشاه نداشتند. در نظام سلطنتی شاه با هر نوع خصوصیت و ویژگی‌هایی، از اختیارات کامل برخوردار و فرمان او، دستور خدا تلقی می‌شد. آخرین رژیم سلطنتی در ایران، رژیم منحوس پهلوی بود که این رژیم غرب‌گرا مشکل گرفت. رضاشاه، دیکتاتوری مستبد، خشن، بی‌رحم و بی‌گانه‌پرست بود. محمدرضا پهلوی نیز با نظر بیگانگان به قدرت رسید و بسیاری از خصلت‌های شیطنانی پدر در او وجود داشت. تحقیر مردم ایران از یک طرف و بها دادن به خارجی‌ها از طرف دیگر از خصوصیات محمدرضا پهلوی بود. شاه ایران بر اساس همین نوع نگرش به مردم، در سال ۱۳۵۳ در یک کنفرانس مطبوعاتی می‌گوید: «این مردم قادر به انجام هیچ چیز نیستند، مثل گوسفندان می‌مانند...» (روح‌الله حسینیان، فساد دربار)

این نوع نگاه به ملت ایران در بسیاری از عناصر کلیدی اطراف شاه دیده می‌شود. به عنوان نمونه در زمان ملی کردن صنعت نفت، نخست‌وزیر وقت آقای رزم‌آرا با حضور در کمیسیون نفت مجلس شورای ملی، بر سر نمایندگانی که با جدیت موضوع ملی کردن صنعت نفت را دنبال می‌کردند، فریاد زده و می‌گوید، ایرانی که نمی‌تواند یک آفتابه بسازد، شما می‌خواید پالایشگاه را اداره کند! این نوع خودباختگی در شاه و دولت‌های او، منشاء بسیاری از مشکلات در کشور از قبیل عقب‌افتادگی‌ها ملی و سلطه اجانب بر مقدرات کشور بود. در دوران پهلوی نهادهای مردم سالار هیچ جایگاهی نداشت و اگر انتخاباتی برگزار می‌شد، کاملاً نمایشی و صوری بود. فساد مالی، اخلاقی و جنسی در دربار شاه زباز است و اسناد فراوانی در این خصوص وجود دارد. منافع ملی در ایران دوران طاغوت، همانند منافع خاندان پهلوی بود و این خاندان، بیت‌المال را برای عیاشی‌ها و سفرهای خارجی خود، به منزله‌ی ارث پدری می‌پنداشتند. وابستگی به بی‌گانه از مختصات حکومت رضا شاه و محمدرضا شاه بود. در وابستگی رضا شاه به انگلیس همین بس که چرچیل و روزولت در کنفرانس تهران درباره او اعتراف کردند: «خودمان او را آوردیم و خودمان او را برداشتیم؛ we brought him, we took him» (حسین فردوست، ظهور و سقوط پهلوی، ج ۱، ص ۸۲). محمدرضا شاه نیز از سوی بیگانگان به قدرت رسید و او خود را مدیون آنان می‌دانست. روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: «پس از کودتا، شاه گیلان خود را با تعارف به کرمیت روزولت رئیس بخش سیا در خاورمیانه برداشت و گفت: من تاج و تخت خود را به‌خدا، مردم کشورم، ارتشم و به شما مدیونم.» (گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۲۸)

چنین افرادی با تکیه بر پول نفت، قدرت نظامی و ساواک، حکومت خفقان و دیکتاتوری برپا کرده بود و هر صدای مخالفی را سرکوب می‌کردند. زندان‌ها پر بود از آزادی‌خواهان و مبارزین و مبارزه با اسلام و آموزه‌های دینی از سیاست‌های ثابت و اصلی رضا شاه و پسرش طی ۵۷ سال حکومت در ایران بود.

ب- اوضاع اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی

در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی یعنی در اوایل نهضت مشروطه، جمعیت کل کشور ایران حدود ده میلیون نفر بود و عمدتاً مردم ایران در روستا زندگی می‌کردند. در این مقطع ۲۰ درصد جمعیت ایران در

شهرهای بالای پنج هزار نفری زندگی می‌کردند و تهران ۲۰۰ هزار نفر جمعیت داشت. با سیاست‌های غلط و استعماری رژیم پهلوی، روستاها به سمت نابودی از طریق مهاجرت روستائیان به شهرها حرکت کرد. طولی نکشید که جمعیت شهرنشین بر روستا نشین غلبه کرد به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۵۷، جمعیت شهرنشین ایران به بیش از بیست میلیون رسید.

فقر و محرومیت از دلایل مهاجرت روستائیان به شهرها بود. وضع زندگی روستائیان در مقایسه با شهرنشینان بسیار نامطلوب بود. به دلیل نبودن امکانات، خدمات بهداشتی و درمانی، راه مناسب، برق و ... زندگی برای بسیاری از روستائیان؛ با مشکلات فراوان همراه بود که مرگ و میر بالا یکی از نتایج طبیعی این وضعیت به‌ویژه در نوزادان و خردسالان بود. در سال ۱۳۵۳ بر اساس آمار رسمی تنها ۳۹ درصد از بچه‌های روستایی که به سن مدرسه رسیده بودند، امکان استفاده از آموزش‌های دولتی را داشتند و این در حالی بود که برای بچه‌های شهری این آمار به ۹۰ درصد می‌رسید.

اما نکته مهم در حوزه اقتصاد ایران با توجه به جمعیت روستائیان، ایران تا اوایل دهه ۱۳۴۰ از نظر تهیه مواد غذایی، خودکفا بود و می‌وانست حتی کمبود ارز کشور را از طریق صادرات پنبه، میوه و خشکبار تامین نماید. با سیاست‌های غلط و خصوصاً اصلاحات ارضی، کشاورزی ایران نابود شد و یک اقتصاد وابسته شکل گرفت. روستائیان زیاد به شهرها آمدند و حاشیه‌نشینی در شهرها با شکاف طبقاتی بالا پدید آمد. بسیاری از روستائیان که تا قبل از مهاجرت در روستاهای خود حداقل یک زندگی ساده داشتند، تبدیل به کارگران مهاجری شدند که برای کار در کارهای ساختمانی، شرکت عمرانی و ... راهی شهرها شدند.

منبع: <http://jonoubnama.ir/?p=۲۰۲۵> سایت خبری جنوب نما

ادامه دارد ...